

شیلی: مبارزه علیه دیکتاتور نظامی (1985-1988))

CHILE: STRUGGLE AGAINST A MILITARY DICTATOR (1985-1988)

LESTER KURTZ

ICNC SUMMARY, 2009
TRANSLATION: ICNC, MOHSEN SAZEGARA (TRANSLATOR), JUNE 2009

Chile

شیلی: مبارزه علیه دیکتاتور نظامی (1985-1988)

به قلم لستر کورتز

کوتاه از مبارزه

بعد از به قدرت رسیدن ژنرال آگوستو پینوشه در یک کودتای نظامی و پراز خونریزی در سال 1973، جنبش اعتراضی مردمی در مخالفت با دیکتاتوری پینوشه شکل گرفت. این جنبش ظرف پانزده سال پس از کودتا، علیرغم ترورها، شکنجه‌ها و "ناپدید شدن" بیش از سه هزار مخالف سیاسی دولت کودتا به حرکت خود ادامه داد. به منظور مشروعیت بخشی به حکومت خود، پینوشه فرمان همه‌پرسی ای را در سال 1980 صادر کرد و قانون اساسی جدیدی را با هدف افزایش قدرت رییس‌جمهور صادر کرد و در سال 1988 همه‌پرسی دیگری برگزار کرد تا جای خود را در دفتر ریاست جمهوری محکم کرده باشد.

جنبشی بی‌خشونت و مردمی در طول سالیان و تا همه‌پرسی 1988 بسیج شد. سه گروه عمده سازمان‌های کارگری، دانشگاه‌ها و کلیسا پایه‌های اصلی این جنبش بودند. کنش‌های استراتژیک و نوآورانه‌ای که وسعت نارضایتی مردم را نشان می‌داد، مردم را به پیوستن به جنبش مقاومت ترغیب کرد. پس از بسیج گسترده رای دهندگان در سطح ملی، ناظران انتخابات و تظاهرکنندگان در کنار استفاده بهینه از رسانه‌ها با گفتن یک "نه" محکم، کار رژیم پینوشه را تمام و او را از ریاست جمهوری خلع کردند. اگرچه پینوشه تا زمان دستگیری‌اش در سال 1998 در لندن، بر نیروهای نظامی تسلط داشت، اما در نتیجه این مبارزات بی‌خشونت و بسیج مردم برای تغییر، از زمان همه‌پرسی به بعد، به تدریج نهاد‌های دموکراتیک رشد کردند و در بستر جامعه شیلی نهادینه شدند.

تاریخ سیاسی

ژنرال پینوشه قدرت را بعد از یک کودتای نظامی مورد حمایت سازمان سیا و با هدف سرنگونی حکومت رییس‌جمهور دموکراتیک شیلی، سالوادور آلنده، در سال 1973 به دست گرفت. پینوشه بسیاری از افراد رده بالای حکومت آلنده را به قتل رساند و به کاخ ریاست جمهوری حمله کرد. جایی که آلنده نیز در آن کشته شد. سفیر شیلی در سازمان ملل نیز درواشنگتن قربانی انفجار یک بمب شد. دیکتاتور جدید رهبران نظامی را از کار بی‌کار کرد، روزنامه‌ها را بست، دانشگاه‌ها را نظامی کرد و حتی آواز خواندن در عموم را غیرقانونی اعلام کرد. براساس گزارش نیویورک تایمز در دوران پینوشه بیش از 3200 نفر ناپدید و یا کشته و هزاران نفر زندانی، شکنجه و یا تبعید شدند.

کلیسای کاتولیک، در حالی که از مخالفت مسقیم با رژیم خودداری می‌کرد مصادیق نقض حقوق بشر مانند اعدام، شکنجه، "ناپدید شدن" و بازداشت‌های غیرقانونی را تقبیح می‌کرد. (گزارش عفو بین‌الملل 1998) کلیسا تلاش کرد فضای سیاسی را در بین سال‌های 1973 تا 1990 باز نگه دارد. پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها و گروهی موسوم به "در خدمت صلح و آزادی" SERPAJ برای حمایت از حقوق بشر در شیلی همکاری می‌کردند. آن‌ها یک ماه بعد از کودتا، گروهی با عنوان کمیته همکاری برای صلح را

تشکیل دادند. پس از منحل شدن این کمیته به دست پینوشه، کلیسای کاتولیک با ایجاد سازمانی به خانواده ناپدید شدگان کمک می کرد و به صورت قانونی در برنامه های کمک به قربانیان، تهیه غذا و برنامه غذای کودکان نقش داشت.

اوایل 1983 با اوج گیری خفقان سیاسی و بحران اقتصادی، سازمان های کارگری با افزایش نزاع در صنایع مختلف از جمله معادن مس که نقش حیاتی در اقتصاد شیلی دارد نشانه هایی از مقاومت را نشان دادند. رئیس کنگره ملی کارگری اولین روز اعتراضات را در یازده می 1983 که حرکت مخالفان را در چشم رسانه ها پررنگ کرد رهبری نمود. مخالفان در ابتدا به دنبال اعتصاب معدن کاران بودند، اما به زودی به خصوص بعد از محاصره معادن توسط نیروهای امنیتی رژیم، متوجه شدند که پاسخ رژیم بسیار خشن و خون آلود خواهد بود. پس در تاکتیکی هوشمندانه و تاثیرگذار به جای آن به دنبال کنشی غیر متمرکز و در سطح ملی رفتند. از همه شیلیایی هایی خواستند آن ها را حمایت کنند. خواستند که کند رانندگی کنند، کند راه بروند، چراغ ها را در شب خاموش و روشن کنند، خرید نکنند و بچه ها را به مدرسه نفرستند. راس ساعت هشت شب با کوبیدن قاشق و قابلمه سروصدا ایجاد کنند. این کنش های کم خطر غیر متمرکز به باز شدن یخ مردم کمک کرد و حس اطمینان را در میان نیروهای مخالف تقویت کرد.

با پایان سال 1983، ائتلافی به شدت دست راستی مرکب از MDR یا جبهه دموکراتیک مردم و MIR یا حرکت چپ انقلابی، حملات خشونت آمیزی را علیه رژیم پینوشه ترتیب داد. اوایل سال بعد با انفجار بیش از هفتصد بمب در سراسر کشور که حمله های متعددی در خطوط مترو و شاه تیرهای انتقال برق را نیز شامل می شد، اوضاع خشونت زا در این کشور بالا گرفت. پاسخ رژیم افزایش خفقان و حمله به مردان جوان بود. مخالفان بین دو گروه، تندروهای طرفدار خشونت در یک طرف و اتحاد دموکراتیک که از مبارزات بی خشونت حمایت می کرد تقسیم می شدند. در پی استفاده از خشونت، گروهی از مخالفان در طبقه متوسط از مشارکت در اعتراضات سر باز زدند. مقاومت بی خشونت تلاش کرد تا سازماندهی خود را در میان مردم حفظ کند. به ویژه SERPAJ که کلیسا از آن حمایت می کرد شبکه ای از مخالفین ایجاد کرد و با آموزش و تدوین اهداف و استراتژی به مبارزات بی خشونت کمک کرد. در آگوست 1985 یازده گروه مخالف با کاردینال فرسنو و یک وزیر طرفدار پینوشه دیدار کردند. یک ائتلاف جدید با عنوان پیمان ملی برای گذار به دموکراسی شکل گرفت. این حرکت الهام گرفته از فیلم گاندی و جنبش همبستگی مردم لهستان، شعار های ساده ای چون "ما دست هایی تمیز داریم" را در دستور قرار داد. این شعارها توسط همگان سر داده می شد. از مردم شرکت کننده در تظاهرات در حالی که دست هایشان را نشان می دادند تا کشیش هایی که در برابر مکان های شکنجه تحصن می کردند.

تاریخ طولانی دموکراسی پیش از کودتای پینوشه به ظهور جنبش "رای نه" کمک زیادی کرد و پس از "نه" رای دهندگان در همه پرسی سال 1988 راه برای پایین آمدن حکومت نظامی پینوشه و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در سال 1989 هموار شد. پینوشه به سادگی تسلیم نشد و تلاش کرد تا قدرت خود را احیا کند. اما به دلیل شکاف های زیاد در قوای نظامی اش این امکان را نداشت. پس از رفتن پینوشه رهبران حزب را فراخواند و یکی از آنها ژنرال فرناندو متھی اوبل در مسیر خود به روزنامه نگاران گفت که آن ها فراندوم را باخته اند و مخالفان جشن خود را آغاز کردند. پینوشه تلاش کرد

حکومت نظامی اعلام کند اما افسر نظامی ارشد او حاضر به اجرای دستورات او نشد. زمانی که به یکی از ژنرال ها سندی دادند که به موجب آن کلیه اختیارات به پینوشه تفیذ می شد او سند را جلو پینوشه پاره کرد و آن را بر زمین ریخت. او سپس رای مردم را پذیرفت و از ریاست جمهوری به زیر آمد اما در روندی پر ابهام قادر شد تا سال 1998 در راس قوای نظامی بماند. این کار اما روند گذار با دموکراسی را با پیچیدگی هایی همراه کرد.

کنش های استراتژیک

ائتلاف وسیع و خلاقیت در طراحی آکسیون های بی خشونت کمک کرد تا پینوشه از قدرت به زیر بیاید. شروع این اعتراضات حرکت مبتکرانه کارگران معدن برای تغییر اعتصاب به روش های دیگری از اعتراض بود که خطر کمتری داشت. با تشدید مقاومت ها و اعتراضات، خفقان از طرف حکومت هم افزایش یافت. سازمان دهندگان مقاومت در تربیت نیرو برای مبارزات بی خشونت به ویژه در کلیساها و برای تظاهرات و سایر روش های اعتراضی مانند کند رانندگی کردن، تحریم، جمع آوری امضاء و نشان دادن نماد ها فعال بودند. این کنش ها علاوه بر این که حکومت را سر درگم و مغشوش کرد به مردم این امکان را داد که خودشان را نشان دهند. زمانی که پینوشه پیش از همه پرسى به مخالفین امتیاز استفاده از تلویزیون را داد، مقاومت کنندگان با استفاده از فرصت های پانزده دقیقه ای در تلویزیون نشان دادند که رژیم چگونه در انتخابات دست می برد و نظارت بر صندوق ها را در سطح کشور کنترل می کند. پس از رای "نه" حکومت پینوشه اعتبار خود را از دست داد و او در انتخابات 1989 شکست خورد و مجبور به کناره گیری از قدرت شد.

برخی از کنش های استراتژیکی که در جنبش بی خشونت مردم شیلی استفاده شد عبارت اند از:

- اعتصاب و سایر حرکت های کارگری- فدراسیون کارگران معدن و کمیته ملی کارگران اعتصابات کارگری و آرام کردن را به کار بردند.
- سازمان مردمی SERPAJ که توسط کلیسا حمایت می شد کلاس هایی برای مبارزات بی خشونت برای گذار از ترس و متحد کردن مردم برگزار می کرد و با ارائه راه کارها و نمونه های موفق کمک کرد مردم به استراتژی ها فکر کنند.
- استفاده از فضای سیاسی مستقل -اگر چه در ابتدا کلیسا مراقب بود حمله مستقیم و آشکاری به حکومت نکند، اما کلیسا به عنوان نهادی نسبتا مستقل توانست از فضای خود برای سازمان دهی اعتراضات و حمایت از قربانیان استفاده کند. کاردینال سانتیاگو تلاش کرد نقش میانجی بین حکومت و نیروهای مخالف را بازی کند و همه پرسى ای که به برکناری پینوشه انجامید از حمایت و اصرار رهبر کاتولیک های جهان ژان پل دوم برخوردار بود.

- تظاهرات: تظاهر کنندگان شجاع با راه پیمایی در خیابان ها با پذیرفتن ریسک بسیار بالای آن، شکنجه ها، ناپدید شدن ها و قتل ها را در خیابان علنی کردند.
 - آواز خواندن: مردم شیلی با خواندن آواز و تکرار: "اون داره می ره، اون داره می ره" پینوشه را وادار کردند آواز خواندن در خیابان را قدغن کند.
 - برنامه های تلویزیونی و آگهی ها: در آستانه همه پرسی، مخالفان می توانستند از فرصت پانزده دقیقه ای روزانه برای انتشار اخبار شکنجه، ناپدید شدن ها و سایر نقص های حقوق بشر استفاده کنند و با نشان دادن وسعت مخالفت، مردم را به ایستادگی و دادن رای نه تشویق نمایند.
 - سازماندهی انتخابات و تشکیل ائتلاف بی خشونت: زمانی که پینوشه با آن چه به " تظاهرات انتخابات" تعبیر شد با هدف نشان دادن محبوبیت دیکتاتوری اش موافقت کرد. مخالفین با تشکیل ائتلافی فراگیر از مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک عبور کردند تا رژیم پینوشه را از مشروعیت بیاندازند.
- مردم شیلی در کاربرد تاکتیک های بی خشونت بسیار خلاق بودند و در حالی که رژیم دائما آن ها را به سرکوب تهدید می کرد، آن ها با روش های مختلف نارضایتی خود را نشان می دادند.
- کندی در حرکت: در این کنش مردم چه به صورت پیاده و چه به صورت سواره در یک روز مشخص و با هدف نشان دادن اعتراض شان با کندی حرکت می کردند.
- این کنش به سرعت به دیگران منتقل می شد و برای حکومت غیر قابل ردیابی و سرکوب بود. پس از اعتصاب معدن چیان و قطعیت این موضوع که اعتصاب به حمام خون تبدیل می شود، تاکتیک ها و کنش هایی که ریسک پایین تری داشت و درصد بالاتری از مردم می توانستند در آن شرکت کنند مورد توجه قرار گرفت.
- به هم کوبیدن کاسه و بشقاب و قابلمه و قاشق راس ساعت هشت شب در سراسر کشور، به ویژه سانتیاگو.

اعتراضات آرام هنرمندان: هکتور نوگوارا کارگردان تتاتر می گوید: ما وقتی هملت را اجرا می کردیم روابط هملت و کلادئوس، شاهی که کشت تا شاه شود را پررنگ جلوه می دادیم. بسیاری از زنان از طریق کارگاه های هنری جذب جنبش شدند.

وضیعت امروز

قدم های زیادی که برای پشت سر گذاشتن حکومت دیکتاتوری نظامی در شیلی برداشته شد موفقیت آمیز بود. از جمله محکومیت چند افسر نظامی و تشکیل کمیسیون حقیقت و آشتی. گذار بی مشکل نبود اما پینوشه از قدرت خلع شد. اگرچه دادگاه عالی شیلی راه را برای محاکمه پینوشه هموار کرد اما مرگ او این تلاش ها را بی سرانجام گذاشت.

دموکراسی شیلی با قوه مقننه ای متشکل از دو مجلس (شورا و سنا)، قوه قضاییه ای مستقل و مطبوعات آزاد حفظ شد. در اصلاح سال 2005 قدرت سیاسی، استقلال نیروهای نظامی حذف شد و رییس جمهور قادر شد فرماندهان ارشد نظامی را تغییر دهد، کرسی های غیر انتخابی از مجلس سنا حذف شد و دوره های ریاست جمهوری محدود گردید.

رییس جمهور سابق میشل بچلت (2006-2010) تلاش کرد تبعیض جنسیتی را کاهش دهد. در زمان وی قانونی به تصویب رسید که حقوق ساکنان بومی این کشور را تامین می کرد.